

معرفی رهیافت گام به گام "مشکل-یابی-مشکل-گشایی" پیشنهادی مقدماتی برای آزمون شیوه تدبیر شده "مشکل-یابی" در شهر تهران

دکتر زهره دانشپور*

دانشیار گرایش برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۶/۲)

چکیده:

این مقاله به مشکلات برنامه ریزی شهری، چگونگی یافتن و چگونگی گشودن آن مشکلات می پردازد. فرض اصلی این است که شهرها و مناطق شهری دارای مشکلات برنامه ریزی شهری هستند که در صورت نگشودن آن مشکلات و باقی ماندن در یک وضعیت مشکل زا و تداوم مسیرهای عمل و رهیافت های موجود، نه فقط مشکلات جدیدی پدیدار خواهد شد، بلکه مشکلات موجود نیز تشدید شده و شهرها، به طور کلی، و شهر تهران - همچون نمونه مورد بررسی در این مقاله - بیش از پیش در یک دور باطل مشکلات خواهند افتاد. این مقاله با تاکید بر اهمیت آشنایی تحلیل گر شهری با اصول پایه بیانگر مشکلات شهری، پیش از هرگونه فعالیت "مشکل-یابی" و "مشکل-گشایی"، بر اهمیت "مشکل-یابی" شهری و مبتنی نمودن شیوه های "مشکل-گشایی" بر اصول "مشکل-یابی"، به معرفی شیوه ای مناسب "مشکل-یابی" برای یک شهر می پردازد. سپس کوشش می شود که به شهر تهران همچون زمینه ای برای برقراری مناسبت بین چارچوب های انگاشتی و جهان واقع نگریسته شود و بنابراین با معرفی شیوه ای گزینه و جایگزین رهیافت های سنتی و جامع نگر برنامه ریزی شهری - یعنی شیوه ای گام به گام و مبتنی بر اختیار یک "فرایند مشکل-یابی-مشکل-گشایی" که در عین رعایت اصول مشکل-یابی و مشکل-گشایی توان بهره گیری از تفکر راهبردی را نیز دارا باشد، شیوه تدبیر شده "مشکل-یابی" در مورد شهر تهران به کار می رود تا شرایط لازم برای پرداختن به "مشکل-گشایی" فراهم گردد.

واژه های کلیدی:

مشکلات فضایی شهر، مشکل-یابی و مشکل-گشایی، فرایند مشکل-یابی-مشکل-گشایی، رهیافت های سنتی برنامه ریزی شهری، رهیافت های گام به گام برنامه ریزی شهری، شهر تهران.

۱- مقدمه

چندبُعدی دارند و نمی توان با به کارگیری و تمهید راه حل ها و رویکردهایی ایستا و تک بُعدی (و در بیشتر موارد با جوهر کالبدی) به رویارویی با چنین مشکلاتی پرداخت. در عین حال، با توجه به ناکارآمدی رهیافتهای سنتی چون رهیافت ساده-جامع^۵ و یارهیافت عقلانی-جامع برنامه ریزی^۶ (به ویژه در شرایطی که ابزار و پیش شرطهای اصلی جای گیری یک سند جامع برنامه ریزی در یک سازوکار سازمانی مناسب رهیافتهای جامع نگر، فراهم نشده است)، می توان شیوههایی جایگزین چون شیوههای اندک افزا یا گام به گام برنامه ریزی^۷ و مبتنی بر اختیار یک "فرایند مشکل-یابی-مشکل-گشایی"^۸ که در عین رعایت اصول مشکل-یابی و مشکل-گشایی توان بهره گیری از تفکر راهبردی^۹ را نیز دارا باشند، به کارگرفت تادر سایه عدم قطعیتها (یا نامعلومیها)^{۱۰}، قیدها و تهدیدها بتوان از فرصتها و پتانسیلهای موجود در گشودن مشکلات بیشترین بهره را برد و- بنا بر یکی از جنبه های تعریف راهبرد - حتی در صورت عدم امکان پیروزی، متحمل کمترین زیان شد. می توان فرض نمود که هر چه مشکلات شهری، درست (که "درستی" در برابر اصول نظری سنجیدنی است)؛ ریشه ای (یعنی با توجه به روابط علت و معلولی) و هدفمند، شناسایی و تحلیل شده باشند، راههای رویارویی با آنها - به شرط پیوستگی آزمون بهنگامی و مناسبت فرایند مشکل-یابی-مشکل-گشایی با ماهیت مشکلات - نه فقط توانمندتر خواهند بود بلکه بهتر خواهند توانست از بروز پیامدهای ناخواسته و مشکلات جدیدی که احتمال دارد در اثر تولید راه حل های نادرست، اجرا نمودن و اجرای نادرست و نارسای راه حل ها پدید آیند و از اتلاف منابع (چون مالی، زمان، نیروی انسانی)، جلوگیری نمایند.

موضوع اصلی این مقاله مشکلات شهری^۱، چگونگی یافتن و چگونگی گشودن آن مشکلات است. بحث در مورد این موضوع بر پایه پیش فرضی اصلی قرار دارد و آن این است که شهرها و مناطق شهری دارای مشکلات شامل مشکلات برنامه ریزی شهری- یعنی مشکلات گشودنی توسط سازوکار برنامه ریزی شهری - هستند که در صورت نگشودن و تداوم مسیره های جاری عمل و شیوه هایی که اهمیت "مشکل-یابی"^۲ را نادیده انگارند، نه فقط مشکلاتی جدید بروز می نمایند، بلکه مشکلات موجود نیز پابرجا مانده، تشدید شده و پیامدهایی به بار می آید که شهرها، به طور کلی، و شهر تهران- یا نمونه مورد اشاره در این مقاله - بیش از پیش در یک دور باطل مشکلات همراه با پیامدهای آن مشکلات خواهند افتاد. پیامد های انباشت مشکلات ناگشوده شهری که بر سر راه "مشکل-گشایی"^۳ (یا مسیر گشودن مشکلات) قرار می گیرند، باری افزون بر مشکلات اصلی اند. برخی از این پیامد ها را می توان در زیر چنین بیان نمود:

- هر چه دشوار و پیچیده تر شدن فرایند گشودن مشکلات انباشته شده و ناگشوده - همراه با پیامد آنها - در طی زمان.
 - کاهش امکان بهره گیری از فرصت ها و پتانسیل های موجود.
 - مخدوش شدن هویت تاریخی و فرهنگی شهرها.
 - کاهش رفاه کالبدی و آسایش روانی افراد ساکن و یا به بیانی دیگر افزایش محرومیت شهری.
 - افزایش ناراضیاتی ها و احتمال بروز شورش های مردمی در اثر افزایش و گسترش انواع مشکلات و محرومیت ها .
- چون مشکلات شهری - شامل مشکلات شهری چون تهران- مشکلات فضایی^۴ یا چند بُعدی اند، در نتیجه نیاز به راه حل هایی

۲- هدف و روش کار

اهمیت وارد نمودن تفکرهای راهبردی و گردندگی^{۱۱} در فرایند برنامه ریزی شهری در پاسخ به وضعیت های پیوسته دگرگون شونده شهری، تاکید دارد. برای دستیابی به این اهداف و در پاسخ به چنین دستورکاری، نیاز به تعریف و گونه بندی مشکلات برنامه ریزی شهری، متمایز نمودن آنها از مشکلات کلی جامعه و تفکر در مورد شیوه های گوناگون و ممکن یک فرایند مشکل-یابی-مشکل-گشایی در یک چارچوب کلان برنامه ریزی است. فرایند پیشنهادی مشکل-یابی برای شهر تهران برآمد ترکیب نتایج دو مسیر موازی تحلیل متون موجود و تکمیل و پردازش پرسشنامه هایی (با هدف ردیابی مشکلات مربوط به رابطه بین افراد ساکن در شهر و محیط شهری مورد استفاده آنها) است. این مقاله بر این باور است که در صورت پیمودن چنین فرایندی (یا فرایندهایی مشابه که بتوانند شرایط لازم را برای مشکل-یابی فراهم

این مقاله دارای سه هدف است که به دستورکاری سه گانه شکل می دهد. زمینه نخست به اهمیت آشنایی تحلیل گر شهری با چارچوب های نظری و اصول پایه بیانگر مشکلات شهری پیش از هرگونه فعالیت مشکل-یابی و مشکل-گشایی، بر اهمیت مشکل-یابی شهری و مبتنی نمودن شیوه های مشکل-گشایی بر چارچوبها و اصول مشکل-یابی و نیز معرفی شیوه ای مناسب برای مشکل-یابی که توان رویارویی با مشکلات هر شهر را دارا باشد - در این مقاله با نگاه به شهر تهران همچون زمینه ای برای برقراری مناسبت بین چارچوب های انگاشتی و جهان واقع - می پردازد. زمینه دوم بر به کارگیری شیوه های گزینه برنامه ریزی - در شرایطی که ابزار و پیش شرطهای اصلی راه اندازی یک سیستم و سازوکار سازمانی مناسب رهیافتهای جامع نگر - فراهم نشده است و زمینه سوم بر

- سطح تنوع کمترین نیاز دارند تا راهبردهایی با سطح تنوع بیشتر. کوشش در آمیختن فرایندهای سیاستگذاری با فرایندهای فنی را دارند، سیاست را با برنامه ریزی ترکیب نموده و نیز برنامه ریزی و عمل را در هم گره می زنند.
 - به فعالیت‌هایی که برای دوره‌ای کوتاه در مورد آنها توافق شده تعهد دارند و این جایگزین جستجوهای گسترده برای انتخاب‌های بهینه در دستیابی به اهداف دورنگر می شود.
 - با استفاده از تفکر راهبردی در برنامه ریزی، این رهیافتها تعریف ویژه خود را نیز به آن می افزایند: ارزش گذاری در سایه درک کافی از نقاط پایانی هر مسیر عمل توسط تصمیم گیرنده با حذف پیامدهایی که خوب درک نشده، ملموس نبوده و در مورد آنها اطلاعات کافی موجود نباشد.
- از دیگر سو رهیافت‌های مبتنی بر تفکر راهبردی - که از ویژگی‌های بارز آنها پرداختن به مشکل-یابی و مشکل-کشایی است، ابزار فکری لازم و اندیشه‌هایی چون مشارکت مردمی را گرد هم می آورند، بر وجود عدم قطعیت یا نامعلومی، فرصت، قید و تهدیدها تاکید دارند و در رویارویی با مشکلات پیچیده^{۱۶} برنامه ریزی، همچون یک فرایند یادگیری متقابل^{۲۰} و یک فرایند تعاملی و تکرار شونده توسط گروه‌های درگیر و ذینفع^{۲۱} سازمان می یابند (287-92 Mee Kam NG, 1993).

۲-۳ تعریف مشکل

پیش از توجه به و درک مفهوم مشکلات شهری و ماهیت گوناگون آنها در هر فعالیت تحلیل و برنامه ریزی شهری و نیز درک امکان‌ناپذیری رویارویی با مشکلات، بهتر است به ماهیت مشکل، به تعاریف گوناگون و نیز به دسته بندی آنها توجه نمود. پس هر دسته مشکل خواستار راه‌های گشودن ویژه خود هستند و نمی توان از زاویه‌ای بی توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های ماهوی مشکلات، به درک و گشودن مشکلات پرداخت.

یک تعریف کلی، مشکل را فرصت تصمیم^{۲۲} یا مانعی که دستیابی به هدفی دلخواه یا مقصودی را دشوار می کند، می‌شمرد^{۲۳} و بنابراین در تعریف مشکل به وضعیت نارضا که هنوز گشوده نشده و نیاز به مشکل-کشایی دارد، اشاره می‌شود. پس هرگاه بتوان تفاوتی آشکار بین آن چه هست و آن چه که دلخواه است را تشخیص داد، "مشکل" ردیابی شده است. دسته بندی مشکلات نیز به چند رویه انجام می‌گیرد. یک رویه آن را به سه دسته مشکل ساختاریافته^{۲۴}، که مشکلی در سطوح و زمینه‌های تصمیم گیری و عملیاتی مشابه است که باید چند بار مورد تصمیم گیری قرارگیرد، مشکل نیمه-ساختاریافته^{۲۵} که مشابه دسته نخست است با این تفاوت که اطلاعات موجود به مشکل-گشا فقط فرصت گشودن بخشی از مشکل را می‌دهد، و مشکل بد-ساختاریافته^{۲۶}، که مشکلی است با هیچ سابقه وجودی، دارای پیچیدگی و ابهام (یعنی هرکدام از راه‌های چندگانه برای گشودن مشکل، برآمد و پیامدهای متفاوتی دارند و مشکل-گشا با ساختار این گونه مشکلات آشنا نیست)، تقسیم می‌کند. رویه ای دیگر، مشکلات را در پنج دسته (الف) مشکل باز^{۲۷} یا مشکلی که

نمایند (می‌توان به قلمروی تجویز^{۱۲} و یا مشکل-کشایی وارد شد. بنابراین در پی تعریف‌های پایه از مشکل، مشکل یابی و رهیافت‌های مناسب انجام فعالیت‌های برنامه ریزی، کوششی که در یافتن برخی از مهم‌ترین مشکلات شهری تهران انجام گرفته است^{۱۳}، در این مقاله به صورت فشرده معرفی می‌شود. برای ورود به قلمروی تجویز - بیرون از دستورکار این مقاله - می‌توان عرصه‌های اصلی تصمیم‌گیری که بر پایه آن رهیافتی که توان برقراری اتصال بین مشکلات شهری و راه‌های گشودن آن مشکلات را دارا باشد، تولید نمود: یعنی عرصه‌های تصمیم‌گیری که پیش درآمد و چارچوب تولید راهبردها و تاکتیک‌ها (یا سیاست‌های عملیاتی)^{۱۴} مناسب شهری چون تهران را فراهم کنند.

۳- بیان پایه‌های نظری برنامه ریزی، مشکل، مشکل-یابی و مشکل-کشایی شهری

برنامه ریزی - مشابه فرایند تصمیم گیری - از نارضایتی از وضع موجود آغاز می‌شود و اگر مشکلی نباشد، نیازی به عمل نیز نیست (Alexander, 1992). تشخیص مشکل یا مشکل-یابی شهری به تصویری از یک وضعیت دلخواه و درک جامعه از مشکلات، به نقش؛ دستورکار و وظیفه‌ای که به مشکل-گشا؛ برنامه ریز و یا تصمیم‌گیرنده سپرده شده است و نیز به الگوهای ایدئولوژیکی^{۱۵} چیره در هر جامعه بستگی دارد.

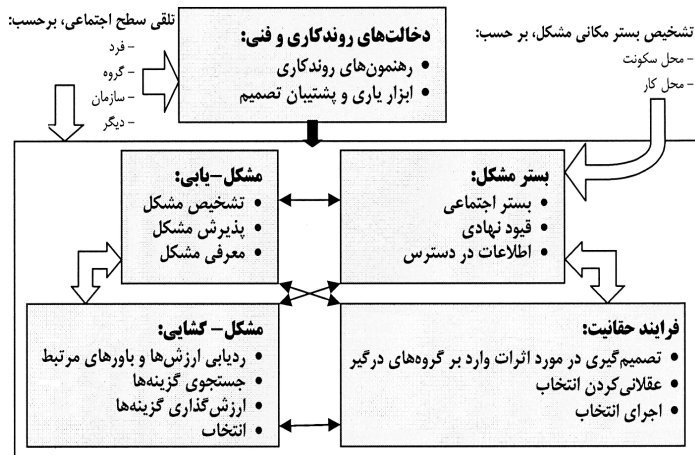
۱-۳ معرفی رهیافت‌های گزینه برنامه ریزی

در مقایسه با رهیافت عقلانی-جامع، رهیافت‌های اندک افزا یا گام به گام برنامه ریزی (که البته نباید اندک افزایی را با تغییر تدریجی - در برابر تغییر شتابزده - اشتباه گرفت) و نیز رهیافت پویا مختلط^{۱۶} که رهیافتی پیوندی^{۱۷} است و از ترکیب دو رهیافت عقلانی-جامع و اندک افزا شکل گرفته، نیاز کمتری به ابزار پیچیده تصمیم سازی دارند و در شرایط نا-آماده برنامه ریزی (Dyckman, 1984) بهتر کار می‌کنند. شیوه‌های گزینه رهیافت‌های عقلانی-جامع که دیدگاه مشکل-کشاییانه ای را در برنامه ریزی (شهری) اختیار می‌کنند، در شدیدترین شکل خود عنوان‌های اندک افزایی و اندک افزایی گسسته^{۱۸} به خود گرفته‌اند (Bracken, 1981, 17-18) این دسته رهیافتها در مخالفت با رهیافت‌های عقلانی-جامع برنامه ریزی (شهری)، آنها را ناتوان از دستیابی به اهداف اجتماعی که مدعی آن هستند، می‌دانند. این رهیافتها ویژگی‌هایی دارند که مهم ترین آنها را می‌توان چنین بیان نمود:

- با آن که جامعیت رهیافت‌های پیش از خود را به زیر پرسش می‌برند، از تفکر عقلانی و ظرفیت انسان در مشکل-کشایی نیز بهره می‌برند.
- واقعیت موجود را همچون یک گزینه در نظر گرفته و آن را با بردها و باخت‌های گزینه‌های دیگر - با وارد کردن تغییرات اندک به واقعیت موجود - مقایسه می‌کنند.
- یک مدل تصمیم توصیفی به شمار می‌رود که رفتار مشاهده شده را تشریح می‌نمایند و چون قصد پایه‌گذاری عمل بر وضعیت موجود را دارند، بنابراین به راهبردها و تاکتیک‌هایی با

میدان تصمیم و عقلانی کردن انتخاب دلخواه آنها است. پیشگویی حقانیت برآمد یک تصمیم، بر انتخاب راههای گشودن مشکل، اثر می گذارد. اهمیت و ضرورت این فرایند، تمرکز آن بر توجه پیشاپیش تصمیم گیرنده بر قیدها و ارزشهای افراد و گروههایی که ممکن است از برخی گزینهها متأثر شوند، است (Kleindorfer, 1993, 10). دلیل توجه تصمیم گیرنده به این گروهها در این فرایند، دارا بودن قدرت مقید کردن انتخابهای کنونی و آتی آنها است.

تصویر ۱- فرایند و عناصر "مشکل-یابی- مشکل-کشایی".

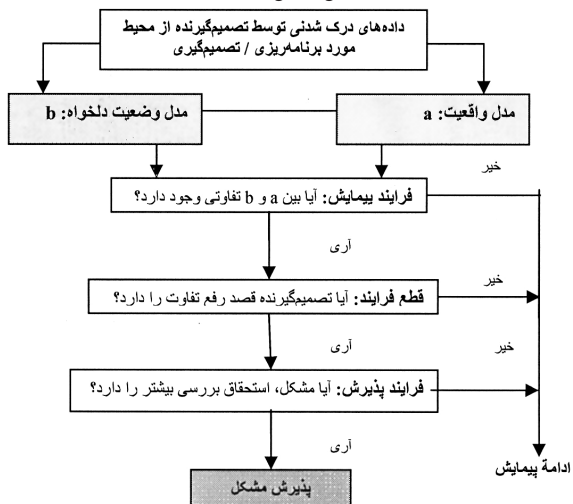


ماخذ: نویسنده، (با استفاده از: ۲۵، ۹: Kleindorfer (1993))

۴-۳-۴ تعریف فرایند "مشکل-یابی- مشکل-کشایی"

بسیاری از پژوهش‌ها در مورد مشکل-یابی و مشکل-کشایی، انگیزه آغازین خود در مشکل-یابی را برآورده نشدن اهداف، ارزش‌ها و نیازها می‌شمارند و بنابراین قیاس پیوسته بین واقعیت و وضعیت دلخواه را در دستورکار خود قرار می‌دهند (تصویر ۲).

تصویر ۲- یک فرایند مشکل-یابی مبتنی بر قیاس واقعیت و وضعیت دلخواه.



ماخذ: نویسنده (بر مبنای 45: Kleindorfer, 1993)

فرایند مشکل-یابی- مشکل-کشایی دارای ماهیتی تکامل یابنده است که در آن از یک سو اهداف، ارزش‌ها و نیازها توسط فرایندهای برنامه‌ریزی نشده و از سوی دیگر فرایندهای از پیش تدبیر شده، تعیین می‌شوند. مشکل-یابی به این صورت عمل می‌کند که تجربه

می‌توان آن را به راحتی بیان نمود و با این که برای آن راه حلی وجود دارد، اما هنوز گشوده نشده است، (ب) مشکل پیچیده که مشکلی با عناصر، روابط متقابل و نیازمند تصمیم‌های بسیار است، (پ) مشکل شریک^{۲۸} که از یک سو مشکلی است شدید، دارای نیازهای متغیر و متناقض که راههای گشودن آن را - به دلیل وابستگی‌های پیچیده عناصر مشکل- دشوار بتوان تشخیص داد و از سوی دیگر این مشکل خود موجب به وجود آمدن مشکل یا مشکلاتی دیگر می‌شود که نیاز به راه‌های خلاق^{۲۹} دارند، (ت) مشکل چالش بزرگ^{۳۰} یا مشکلی که بسیار دشوار گشوده می‌شود، نیاز به اصلاحات گسترده در توان مشکل-کشایی دارد و دارای اثرات اجتماعی- اقتصادی بسیار است، و (ث) مشکل عمومی^{۳۱} که مشکلی است مشترک در جامعه مورد بررسی که مشکل-کشایی را در راستای منافع جمع و مقاصد عمومی قرار می‌دهد، معرفی می‌کند.

۳-۳-۳ تعریف رابطه بین مشکل و تصمیم‌گیری

پردازش مشکل یکی از جنبه‌های کلیدی هر فرایند تصمیم‌گیری است و در رویارویی با مشکلات در یک فرایند مشکل-یابی- مشکل-کشایی با دو عنصر اصلی (و تعدادی زیر-عنصر) - که در زیر معرفی شده‌اند - نیز جایگاهی ویژه دارد (تصویر ۱) (Kleindorfer et al, 1993, 9):

الف- عنصر نخست- این عنصر نشان دهنده دخالت‌های روندکاری و فنی - که زمینه‌های تجویزی گسترده‌ای از سیاهه‌های^{۳۲} ساده تا سیستم‌های پشتیبان تصمیم^{۳۳} پیچیده (شامل فناوری پیشرفته اطلاعات، مدل‌های کمی و فنون مدیریت پایگاه داده^{۳۴}) را برای هدایت و اصلاح فرایند تصمیم‌گیری در بر می‌گیرد - است.

ب- عنصر دوم- این عنصر نشان دهنده ویژگی‌های بارز تصمیم‌گیری و شامل چهار زیر-عنصر است:

- "بستر مشکل" که محیط اجتماعی، نهادی و اطلاعاتی فرایند تصمیم‌گیری است. اهمیت بررسی این بستر، دریافت پاسخ به پرسش‌هایی چون (الف) چه کسانی از تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌پذیرند، (ب) چه کسی دارای قدرت است، (پ) چه اطلاعاتی در دسترس تصمیم‌گیرندگان، افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع قرار دارند و (ت) ارزش‌ها و باورهای مطرح کدامند، است.
- "مشکل-یابی" فعالیتی مرتبط با تشخیص وجود فرصت تصمیم‌گیری برای هر تصمیم‌گیرنده و فرایند پذیرش هر مشکل است که به معرفی مشکل (شامل ارائه اطلاعات در مورد منبع، ساختار و زمانبندی گشودن مشکل) می‌انجامد. مشکل-یابی مشکل را تا نیازها، ارزش‌ها و باورهایی که مشکل-گشا آنها را همچون تصمیم‌یافتن یا فرصت انتخاب^{۳۵} می‌گزیند، ردیابی می‌کند.
- "مشکل-کشایی" فعالیتی است با اختیار عمل برای گشودن مشکلات شامل مواردی چون تنظیم درست ارزش‌ها و باورها، جستجوی گزینه‌های مناسب انتخاب و ارزش‌گذاری گزینه‌ها و انتخاب گزینه‌ای که به نظر رسد توان گشودن مشکل را دارد.
- "فرایند حقانیت"^{۳۶} شامل تشخیص پیامدها و اثرات انتخاب احتمالی هر گزینه بر افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع بیرون از

می تواند چند حالت به خود بگیرد، (الف) مشکل-گشایی پویا^{۴۱} که در آن اعمال نخستین، تعیین کننده محیطی است که در آن تصمیم‌های بعدی گرفته می شوند، (ب) مشکل-گشایی وابسته به زمان^{۴۲} یا تصمیم گیری در زمان مناسب، (پ) مشکل-گشایی پیچیده^{۴۳} یا رویارویی مشکل-گشا با مشکلات پیچیده (Quesada, 2005) و (ت) مشکل-گشایی خلاق^{۴۴}. دو شکل مشکل-گشایی پیچیده و خلاق که در برنامه ریزی شهری بیشتر به کار رفته اند، در زیر بررسی می شوند.

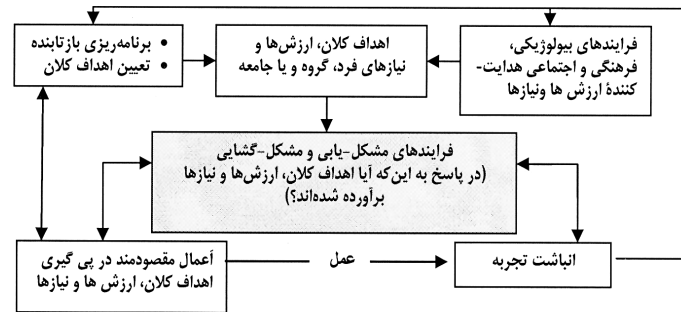
الف- مشکل-گشایی پیچیده

مشکل-گشایی پیچیده با سیستم‌های پیچیده و مشکلات پیچیده سروکار دارد. یک سیستم پیچیده نه فقط وضعیت‌های گوناگونی به خود می گیرد بلکه دارای الگوهای رفتاری گوناگون نیز است. پیچیدگی سیستم از یک سو به تنوع عناصر و روابط در درون و در محیط سیستم؛ روابط متقابل سیستم و محیط سیستم و از سوی دیگر به درجه عدم قطعیت و ابهام زمینه‌های گوناگونی که اختیارات تصمیم گیری^{۴۵} را محدود کرده و یا گسترش می دهند (چون فناوری در زمینه‌های گوناگون)، بستگی دارد (Schwaniger & Koerner, 2004). در مشکل-گشایی پیچیده (متفاوت با شکل سنتی آن)، بیشتر متغیرها- یا مشکلات- به هم مربوط نیستند و مشکل به مجموعه‌ای از تصمیم‌هایی که شاید آنها نیز به هم مربوط نباشند، نیاز دارد. برای چنین وضعیت پیوسته در حال دگرگونی، شیوه‌های سنتی مشکل-گشایی مناسب نیستند و نظریه‌ای عمومی که بتواند حتی بخشی از این وضعیت را تشریح کند نیز موجود نیست. مدیریت و نیز تفکر سیستمی گردندگی - به عنوان گزینه‌ای بر تفکر دو قطبی^{۴۶} و پنداشته‌هایی چون "علت- معلول" و "مشکل- راه حل" - را از راه‌های کلیدی رویارویی با پیچیدگی دانسته‌اند (Funke, 2001, & 560 - Frensch, 1995, 558).

ب- مشکل-گشایی خلاق

مشکل-گشایی خلاق فرایند ذهنی خلق راه حل برای یک مشکل است. خلاقیت به این معنا است که دو انگاره موجود به صورت یک انگاره جدید و مناسب تر با هم ترکیب شوند. در مشکل-گشایی خلاق راه حل‌هایی مستقل و نو آورانه، ایجاد می شوند. مشکل-گشایی خلاق با آگاهی از این که کشف یک مشکل نیاز به یک ذهن پرس جوگر دارد، تنظیم و کشف یک مشکل یا مشکل-یابی را مهم تر از مشکل-گشایی می داند (Edmund, 2006). مشکل-گشایی خلاق مشکلات را در سه دسته - با توجه ویژه به دسته سوم - در نظر می آورد^{۴۷} (DUDP Learning Centre, 2003 & Edmund, 2006): (الف) مشکلاتی که به طور مستقیم به مشکل-گشا رجوع داده می شوند و نیازی به یافتن مشکل نیست و مشکل در انتظار راه حل است، (ب) مشکلاتی که باید کشف شوند یعنی مشکل از پیش وجود دارد اما به روشنی مورد نخست برای مشکل-گشا تعریف نشده و مشکل-گشا باید خود قطعات معما را کنار هم بنهد، و (پ) مشکل خلق شده که مشکلی است که از پیش وجود نداشته و بیانیۀ مشکل از روال معمول تفکر در مورد مشکل پیروی نکرده و مشکل-گشایی نیاز به یک راه حل خلاق دارد (Davidson & Sternberg, 2003, 3-8).

تصویر ۳- ماهیت تکامل یابنده مشکل-یابی



ماخذ: نویسنده (بر مبنای: Kleindorfer, 1993: 28)

انباشته شده ناشی از اعمال فرد، گروه و کل جامعه به نوبه خود و در یک فرایند برگشت پذیر بر فرایندهای تصمیم گیرنده اهداف، ارزش‌ها و نیازها که خود فعالیت‌های آتی مشکل-یابی و مشکل-گشایی را بر می انگیزند، اثر می گذارد. با تداوم اثر گذاری‌ها و با توجه به اختلاف بین وضعیت واقعی و وضعیت دلخواه، در صورت شکل گیری یک فرایند گردنده مشکل-یابی و انجام فعالیت‌های پیمایش، قطع فرایند و پذیرش مشکل (تصویر ۲)، چرخه از نو آغاز می شود (تصویر ۳).

۵- مشکل-یابی

اهمیت انتخاب مشکل درست برای عمل آن است که در صورت تمرکز بر گشودن مشکلات نادرست، کوشش‌ها - حتی با به کارگیری روندکار و شیوه‌هایی کارآمد - صرف گزینه‌های پست تر و یا نادرست خواهد شد که نه فقط زیان ناشی از کوشش‌های نابجا را سیستم شهری باید تحمل نماید بلکه وضعیت مشکل دار نیز پابرجا می ماند. مشکل-یابی به دو صورت انجام می گیرد و هر دو پاسخ‌هایی اند به اختلاف بین وضعیت موجود و آن چه دلخواه جامعه است (نگاه کنید به تصویر ۲) (Kleindorfer, 1993, 28):

- مشکل-یابی منفعل یا واکنشگرانه^{۴۷}: تشخیص مشکل توسط عوامل بیرونی برانگیخته می شود.
- مشکل-یابی مقصودمند یا کنشگرانه^{۴۸}: به مهم ترین مشکلات و گشودن آن‌ها نگاهی فعال انداخته و نیز تفکر خلاق را در تولید اهداف کلان دست یافتنی به کار می برد.

۶- مشکل-گشایی

مشکل-گشایی^{۴۹} را عملی جمعی و یک فرایند تصمیم گیری چندگانه دانسته اند که در آن فرد، گروه و یا سازمان نمی تواند به تصمیم گیری در زمینه‌هایی که به جمع مربوط می شود، بپردازد زیرا حتی در بخش عمومی نیز سازمان‌ها مرجع رسمی تصمیم گیری در مورد تمام عرصه‌ها نیستند و نیز مشروعیت و پشتیبانی کامل مردم - و در صورت کار فردی - ظرفیت تولید برآمدهای دلخواه را ندارند (Briggs, 2002). مشکل-گشایی - یا تجویز - به مجموعه گسترده‌ای از اطلاعات ذخیره شده در حافظه (انواع بانک‌های داده^{۴۰} و سیستم‌های پشتیبان تصمیم گیری) وابسته است که هرگاه مشکل-گشا به اطلاعات نیاز داشته باشد، می تواند آن را از حافظه بازگرداند و در صورت نیاز بیشتر، اطلاعات را گردآوری و به حافظه بیافزاید.

۱- ۳-۶- نگرش‌های مشکل-گشایی

فرایندهای ذهنی و یا وضعیت‌های تصمیم گیری و مشکل-گشایی

۲-۶-۳ فرایند و مراحل مشکل-کشایی

- چند روایت از فرایند مشکل-کشایی، موجود است. مراحل یک فرایند مبتنی بر مشکل-کشایی خلاق و نیز تفکر گردندگی را می‌توان در زیر چنین بیان کرد (Davidson & Sternberg, 2003 DUDP & Learning Centre, 2003):
- **مرحله نخست:** تشخیص و تعیین مشکلات و سازماندهی دانش جامعه در مورد آن مشکلاتی که مهم‌ترین پایه فرایند مشکل-یابی-مشکل-کشایی در زمینه شهری و نشان دهنده حساسیت به نیازهای یک جامعه است.
 - **مرحله دوم:** معرفی مشکل که دلالت بر نادرست بودن یک وضعیت یا وجود فرصتهایی در آینده دارد و هرگاه اطلاعات لازم موجود و شرایط مناسب فراهم باشد، معرفی لازم می‌تواند انجام گیرد.
 - **مرحله سوم:** تقسیم هر مشکل از مشکلات تشخیص داده شده به تعدادی زیر-مشکل.
 - **مرحله چهارم:** تولید اهداف تعیین کننده مسیر حرکت که باید امکان پذیر و واقع‌نگر؛ بلند و کوتاه مدت و تعیین کننده زمان آماج هر مرحله و کل فرایند باشند ارزش‌های چیره یک جامعه را نیز پوشش دهند.
 - **مرحله پنجم:** تولید راهبردهای گزینه منطقی و خلاق که مناسب گشودن مشکلات و نیز پاسخ گو به اهداف برنامه - با در نظر

۴- برابر نمودن گونه بندی مشکلات و شیوه های مشکل-کشایی

با توجه به چارچوب نظری پیش گفته، امکان مرتبط نمودن انواع گوناگون مشکل و شیوه‌های موجود مشکل-کشایی فراهم می‌شود (تصویر ۴). شیوه مشکل-یابی در تمام موارد، شیوه‌ای مقصودمند و یا کُنشگرانه (نگاه کنید به بند ۵-۳ این مقاله) است که به مهم‌ترین مشکلات و گشودن آن‌ها نگاه فعال انداخته و نیز تفکر خلاق را در تولید اهداف کلان دست یافتنی به کار می‌برد.

تصویر ۴- ماتریس مشکل و شیوه‌های گوناگون مشکل-کشایی.

گونه بندی کلان و خرد مشکل	تعریف مشکل گونه بندی شده	شیوه های مشکل-کشایی
گونه بندی نخست	مشکلی در سطوح و زمینه‌های عملیاتی و تصمیم‌گیری مشابه.	مشکل نیاز به فرایندهای تکرار شونده مشکل-کشایی دارد.
	مشکلی در سطوح و زمینه‌های عملیاتی و تصمیم‌گیری مشابه.	به دلیل ماهیت نیمه-ساختاریافته اطلاعات موجود، مشکل-گشا فقط فرصت گشودن بخشی از مشکل را دارد.*
گونه بندی دوم	مشکلی با هیچ سابقه وجودی و دارای پیچیدگی و ابهام.	● مشکل-گشا با ساختار این گونه مشکلات آشنا نیست. ● هر کدام از راه‌حل‌های چندگانه برای گشودن مشکل، برآمد و پیامدهای متفاوتی
	مشکلی که به راحتی بیان می‌شود.	برای مشکل راه‌حلی وجود دارد، اما به دلیل بازبودن مشکل، مشکل همواره در وضعیت گشوده نشده قرار دارد.
گونه بندی سوم	مشکلی با عناصر، روابط متقابل و نیازمند تصمیم‌های بسیار.	در چنین وضعیت پیوسته دگرگون شونده-ای، شیوه‌های سنتی مشکل-کشایی مناسب نیستند و به مشکل-کشایی پیچیده و تمهیداتی چون موارد زیر نیاز است: ● به کارگیری مدیریت (به مفهومی کلی). ● به کارگیری تفکر سیستمی گردندگی.
	مشکلی شدید، دارای نیازهای متغیر، متناقض و ناکامل.	نیاز به مشکل-کشایی خلاق است با ویژگی‌هایی چون: ● به کارگیری راه‌حل‌هایی مستقل و نو-آورانه. ● توجه به مهم‌تر بودن مشکل-یابی در مقایسه با مشکل-کشایی.
گونه بندی سوم	مشکلی که بسیار دشوار گشوده می‌شود.	گشودن این مشکل که دارای اثرات اجتماعی-اقتصادی بسیار است، نیاز به اصلاحات گسترده در توان مشکل-کشایی دارد.
	مشکلی مشترک در جامعه مورد بررسی.	خواستار آن است که مشکل-کشایی در راستای منافع جمع و مقاصد عمومی قرار گیرد.
گونه بندی سوم	مشکلی که به‌طور مستقیم به مشکل-گشا رجوع داده می‌شوند و نیازی به یافتن مشکل نیست.	مشکل در انتظار راه‌حل مشکل-کشایی است.
	مشکلی که باید کشف شوند؛ مشکل از پیش وجود دارد اما به روشنی مورد نخست برای مشکل‌گشا تعریف نشده است.	مشکل-گشا باید خود قطعات معما را در گشودن این دسته از مشکلات کنار هم بنهد.
مشکل نیازمند راه‌حل خلاق	مشکلی است که از پیش وجود نداشته و بیانیه مشکل از روال معمول تفکر در مورد مشکل پیروی نکرده‌است.	نیاز به به کارگیری شیوه‌های مشکل-کشایی خلاق است با ویژگی‌هایی چون: ● تمهید و به کارگیری راه‌حل‌هایی مستقل و نو-آورانه. ● توجه به مهم‌تر بودن مشکل-یابی در مقایسه با مشکل-کشایی.

*مأخذ: نویسنده بر پایه منابع اطلاعاتی این مقاله (برای استفاده در این مقاله)

* مشابه مشکل ساختاریافته

۵- مشکلات شهری، مشکل-گشایی شهری و شهر تهران

دردستیاپی به مجموعه ای از اهداف دلخواه برای گشودن مشکلات پیچیده - در سایه وجود قدرت و قصد متعدد کردن منابع و عمل به صورتی که راهبرد انتخاب شده به اجرا برسد - تعریف می شود (Alexander, 1992).

مشکلات شهری چون تهران را می توان ابتدا در یک چارچوب کلان شناسایی نمود، زیرا منشاء و ریشه برخی از مشکلات شهری تابع و متأثر از مشکلات کل کشور و (کم و بیش) مشابه مشکلاتی است که در سراسر سرزمین قابل پی گیری بوده و در نتیجه گشودن این دسته مشکلات نیاز به برخورد، تصمیم گیری و سیاستگذاری در سطح کلان یا ملی دارد. دسته دیگر مشکلات، مشکلات برنامه ریزی شهری تهران است که به دلیل ویژگی های انباشت سرمایه، فعالیت و جمعیت (و پایتخت بودن این شهر)، هر چند بدون اهمیت و تبعات در ابعاد ملی نیستند، اما نیاز به رویارویی در سطح شهری دارند. پس از تعیین و شناسایی مشکلات و هنگام تحلیل مشکلات فضایی شهری چون تهران، می توان آنها را از زوایای گوناگون دسته بندی نمود تا بیانیه مشکلات، نظم هدفمند و کاربردی لازم را به دست آورد؛ نظمی که مشکلات را برحسب درجه اهمیت، برحسب درونی و بیرونی بودن، برحسب میزان دوام و پایداری، برحسب میزان پیچیدگی، برحسب رابطه هر مشکل با سایر مشکلات و جایگاه آن در کل سیستم مورد برنامه ریزی، برحسب روابط علت و معلولی، روابط سلسله مراتبی، چگونگی لانه کردن مشکلات در یکدیگر و برحسب گونه بندی مشکلات تنظیم نموده و بتواند به مرتبط نمودن مشکلات؛ قیدها؛ تهدیدها، اهداف و در نهایت به تولید راههای کاهش یا گشودن مشکلات، دست زند. به هرگونه که به مشکلات برنامه ریزی شهری پرداخته شود، پیش فرض مهم این است که ساختار فضایی شهرها در هر مقطع زمانی، برآمد و فرآورده تصمیمها و اقدامات افراد، گروهها، سازمانها و نهادهایی که در یک عرصه تصمیم گیری عنوان عاملین تصمیم گیری (یا گروههای درگیر و ذینفع) را به خود می گیرند، است که در ارتباط با مقصود؛ هدف و انگیزه تصمیم گیری آنها می توان وضعیتهایی چند را متصور شد. نخست آن که عاملین تصمیم گیری یا قصد مشکل-یابی و مشکل-گشایی دارند و یا به طور کلی چنین قصدی در دستورکار آنها جای نمی گیرد. دوم آن که، آن دسته عاملین تصمیم گیری که قصد مشکل-گشایی دارند، یا دارای توان انجام آن هستند و یا نیستند و در نتیجه اعمالی که انجام می دهند ممکن است یا از بار مشکلات شهری بکاهد و یا به آن بیفزاید (و این در مورد نخست نیز صادق است). بنابراین، در فرایند مشکل-یابی یک شهر، توجه به این که تشخیص و تحلیل مشکلات بدون توجه به ارزشها؛ اهداف؛ انگیزهها و عملکرد عاملین تصمیم گیری، تصویر کاملی از مشکلات یک سیستم فضایی شهری را به دست نمی دهد و در نهایت پیوند لازم میان مشکل، مشکل-گشایی، اجرا و مدیریت برنامه برقرار نخواهد شد، اهمیت دارد.

برنامه ریزی شهری (شامل مشکل-یابی و مشکل-گشایی) در جوامع گوناگون نقش و دستورکار متفاوتی دارد. با هرچه پیچیده و احتمالاتی تر شدن سیستمهای مورد برنامه ریزی، رهیافتهای عقلانی-جامع کارآمدی خود را از دست داده و نیاز به رهیافتهای

مشکلات شهری نه از یک مقوله اند، نه دارای ماهیت و جوهر یکسانند و نه ثابت و ایستاند. پس به مشکلات شهری-به طور کلی و با تاکید این مقاله بر شهر تهران- نه فقط می توان از زوایای گوناگون نگریست، بلکه در هر کوشش برنامه ریزی هنگام تشخیص و تحلیل مشکلات، از چارچوبهای نظری و فنی مناسب هر مورد نیز می توان بهره گرفت. از سوی دیگر مشکلات شهری باید در هر دو چارچوب فرا-شهری و شهری شناسایی و تحلیل شوند زیرا آن دسته از مشکلاتی که مشکلات کلی جامعه شمرده می شوند، نیاز به تمهیداتی در سطوح فرا-شهری تصمیم گیری دارند، در صورتی که دسته دیگر مشکلات - که به دلیل ویژگی های انباشت سرمایه، فعالیت و جمعیت در یک فضای شهری پدید آمده اند - نیاز به رویارویی در سطح شهری دارند (Herbert & Johnston, 1978, 2-3). برآستی هرکوشش در برخورد، رویارویی و گشودن مشکلات یک شهر- چه هماهنگ؛ یکپارچه و از پیش اندیشیده شده و یا ناهماهنگ؛ بدون یکپارچگی و تفکر پیشاپیش، چه به صراحت و چه به صورت تلویحی- به معنای باور به ضرورت به کارگیری یک سازوکار هدایت و مهار کارآمد برنامه ریزی و مدیریت و آماده نمودن شرایط لازم برای پیشبرد آن سازوکار است: تدبیر راهکارهایی برای آینده به منظور رویارویی با مشکلات ناگشوده امروز و جلوگیری از پیدایش و تشدید مشکلات در آینده.

دخالته سازوکار برنامه ریزی و مدیریت شهری در رویارویی با مشکلات شهری با به کارگیری رهیافتهای گوناگون برنامه ریزی - چه رهیافتهایی جامع نگر و مبتنی بر مدل های تصمیم گیری عقلانی^{۴۸} و مدل های مشکل-گشا^{۴۹} (یا رهیافت های غیر اندک افزا^{۵۰}) و چه در چارچوب رهیافت های گام به گام یا اندک افزای برنامه ریزی- انجام می گیرد. چنین سازوکاری در چارچوب یک فرایند عقلانی-جامع برنامه ریزی، در صورت وجود و کارآیی فعالیت های تولید برنامه (شامل مراحل تدوین چشم انداز، اهداف، راهبردها و سیاستها)؛ قوانین و مقررات برنامه ریزی و مدیریت شهری؛ اجرا و مدیریت اجرای برنامه های شهری در سطوح سلسله مراتبی گوناگون، می تواند نه فقط در هر مقطع زمانی بلکه در چارچوب یک فرایند گردنده و پیوسته، به وظایف خود بپردازد. در مرحله تحلیل یک رهیافت عقلانی-جامع برنامه ریزی (شهری) دربرگیرنده فعالیت مشکل-یابی، تحلیل گر برنامه ریز - در صورت کارآیی - می تواند مشکلات کنونی و آتی سیستم مورد برنامه ریزی را درک کرده و در مرحله تجویز، به تولید سناریوهای گزینه بپردازد. البته برخی نارسایی مهم چنین رهیافتی را روشن نبودن چگونگی تولید راه حلها بر مبنای تحلیل مشکلات می دانند (Bracken, 1981, 17-18). از یک برنامه ریزی مشکل-گشا انتظار می رود که با اجرا پی گیری شود. از برنامه ریزی راهبردی - با دورنمای بلند مدت تر خود که می تواند در شرایط عدم قطعیت نیز به کار رود - نیز انتظار می رود که با عمل (یا اجرای برنامه) اتصال قوی برقرار نماید. به این ترتیب برنامه ریزی یک فعالیت اجتماعی و سازمانی آگاهانه و آینده نگر برای توسعه راهبردهای عمل بهینه

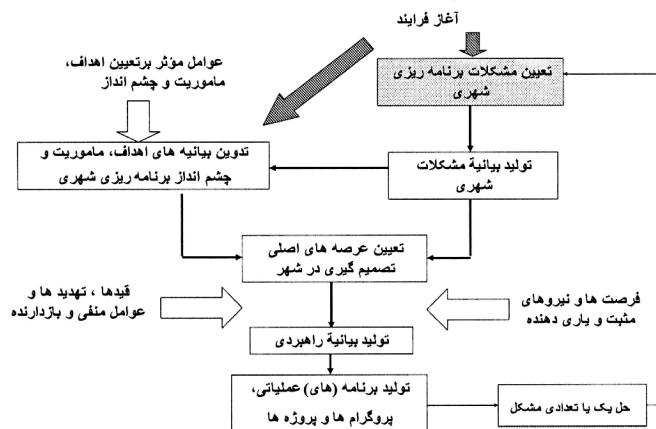
دستیابی به آنها است- و این که می توان با به کارگیری سازوکار برنامه ریزی آن را شناسایی نمود، تاکید دارند. با وجود هرچه پیچیده تر شدن مشکلات و صریح تر شدن گروه های موجود در جامعه در ابراز نیازها و آرزوهای خود (به ویژه در کشورهای بیشتر توسعه یافته)، تا مدت ها فرض وجود "منفعت عمومی" مانع به کارگیری شیوه های گام به گام مشکل- گشایی شهری- که در مقایسه با رهیافت عقلانی- جامع، نیاز کمتری به ابزار پیچیده تصمیم سازی دارند و در شرایط نا- آماده برنامه ریزی بهتر کار می کنند- به نفع رهیافت های سنتی جامع نگر بوده است. البته، یک فرایند برنامه ریزی و برآیندهای آن را زمانی می توان نگره دارنده منفعت عمومی دانست که فرایند برنامه ریزی در دسترس جامعه باشد، یعنی پیوستن انگاشت مشارکت عمومی^{۵۵} به فرایند مشکل- یابی- مشکل- گشایی شهری. مدل سنتی برنامه ریزی نیز دیگر تنها شیوه عمل در کشورهای مختلف جهان- چه بیشتر و چه کمتر توسعه یافته- نیست و نارسایی هایی که در تجربه برنامه ریزی عقلانی- جامع- سیستمی؛ به ویژه در چارچوب اقتصاد بازار؛ آشکار شده، منجر به کنار نهادن آن از سوی بسیاری از نهادهای برنامه ریزی بخش عمومی در جهان شده است. در مقابل، برنامه ریزان که (شاید از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی) دیگر هیچ نقش تجویز شده و روشنی برای آنان تعریف نشده است، عادت کرده اند تا با ابهام، نامعلومی و دگرگونی در سیستم های سیاسی و سازمانی کشورهای خود سروکار یابند؛ یعنی استفاده از تفکر راهبردی در برنامه ریزی که از ویژگی های بارز آن پرداختن به مشکل- یابی و مشکل- گشایی و تاکید بر وجود عدم قطعیت، فرصت، قید و تهدیدها است. مهم این که با پیچیده تر شدن جوامع، هر رهیافتی که به کار رود، حتی اگر کاستی های برنامه ریزی کاهش نیابد و محیط برنامه ریزی آماده نگردد، نیاز به برنامه ریزی؛ تشخیص مشکلات و تولید راه های گشودن مشکلات کم نشده و برنامه ریزی همچنان ابزاری در خدمت جوامع مدافع نگهداشت "منفعت عمومی"، باقی مانده است؛ ابزاری که برای برخی به گشودن مشکلات بیشتر و برای برخی دیگر به بسندگی به کمترین میزان گشودن مشکلات انجامیده و می انجامد.

۷- تدبیر شیوه های مشکل- یابی و آزمون آن در شهر تهران

با توجه به اهمیت و مقصود گونه بندی مشکلات و این که هر مشکل به شیوه مشکل- گشایی ویژه خود نیاز دارد، می توان شیوه های رایج را برگزید و آن را با ویژگی های مشکل تطابق داد. با توجه به این که بسیاری از نگرش های تصمیم گیری، تنظیم و کشف یک مشکل یا مشکل- یابی را مهم تر از مشکل- گشایی می دانند، در این مقاله به منظور آزمون امکان پذیری مشکل- یابی در شهر تهران که بر پایه آن بتوان فعالیت های مشکل- گشایی یا تجویز (بیرون از دستورکار این مقاله) را استوار نمود، یک مسیر دوگانه مشکل- یابی با توجه به چارچوبها و اصول پیش گفته، اختیار شده است. در هر دو مسیر، مشکلات شهر تهران برحسب مکان و موضوع دسته بندی شده اند:

جایگزین بیشتر شده و می شود. در سیستم "برنامه محور"^{۵۱} شهرهایی چون تهران که منابع زیادی در تولید برنامه صرف می شود و رابطه اندک، سست و شکننده ای بین مشکلات شهری و راه حلها؛ بین برنامه و اجرای آن و نیز بین مشکلات شهری و نیازها و آرزوهای مردم وجود دارد، سازوکارهای سنتی و رایج و به عاریت گرفته شده در رویارویی با مشکلات ناگشوده و پایدار شهری کارآیی لازم را ندارند. در نتیجه نیاز به نهادینه شدن تفکر "مشکل- یابی- مشکل- گشایی" و تدبیر، تجربه و به کارگیری شیوه های گزینه ای چون شیوه های گام به گام و یا پویا مختلط در مشکل- گشایی است تا توان رویارویی با چنین سیستم های پیچیده، احتمالاتی و نامعلوم افزایش یابد. یک فرایند مشکل- یابی- مشکل- گشایی دارای امکان بازگشت به پس که بتوان تفکر اندک افزا (در برابر تفکر جامع نگر) را در آن جای داد، در تصویر (۵) به نمایش درآمده است.

تصویر ۵- پیشنهاد مقدماتی فرایند گام به گام برنامه ریزی مشکل- گشا با تاکید بر مشکل- یابی برای شهری چون تهران.



ماخذ: نویسنده (برای استفاده در این مقاله)

در سایه چنین کمبودها و نامعلومی هایی است که ضرورت اختیار شیوه های غیر متکی بر تولید برنامه های ایستا، جامع و مصرف کننده منابع زیاد برای شهرهایی چون تهران، بیش از پیش مطرح می شود. در راستای مأموریت اصلی این مقاله یعنی تاکید بر اهمیت مشکل- یابی و ضرورت به کارگیری روش های محلی شده آن باید توجه نمود که در رویارویی با مشکلات شهری، می توان دست کم در چارچوب سناریویی دوگانه به کار پرداخت: یا روش هایی مناسب کشف مشکلات اصلی و ماندگار شهرها اختیار نمود و اهداف و راهبردهایی را به آنها مربوط نمود (یعنی تفکر برنامه ریزی مشکل- سو^{۵۲}) و یا با تعیین ارزشها، چشم انداز و اهداف کلان، مسیر حرکت در دستیابی به آنها را تدبیر کرد (یعنی تفکر برنامه ریزی هدف- سو^{۵۳}). البته ترکیبی از این دو شیوه نیز نه فقط ممکن بلکه مطلوب است.

۶- برنامه ریزی، مشکل- گشایی و شهر تهران

رهیافت های عقلانی- جامع- سیستمی برنامه ریزی (شهری) بر وجود "منفعت عمومی"^{۵۴} یا جمع تمام ارزش های یک جامعه و جمع تمام اهداف کلان و خرد مورد توافق همگان که برنامه ریزی در پی

الف- مسیر نخست- بررسی و تعیین ویژگی‌های بارز دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۵ و تعیین مشکلات قابل یافت از تحلیل ساختار فضایی شهر تهران بر پایه اسناد موجود در طول این متون (تصویر ۶).

تصویر ۶- مسیر نخست تعیین مشکلات - نمونه شهر تهران.

عرصه موضوعی	سطح	تعیین و تشریح مشکلات برنامه‌ریزی شهری
سیستم طبیعت	فرا-شهری	<ul style="list-style-type: none"> پیشروی شهر به سوی محیط پیرا شهری: -شکل‌گیری محیط پیراشهری**، فضای شهری-روستایی با مشکلات فضایی خود- -صدمه دیدن محیط طبیعی. بهره کافی نبردن از فرصت‌های گوناگون موجود در محیط طبیعی پیرامون شهر.
	شهری	<ul style="list-style-type: none"> آلودگی هوای شهر و پخش آلودگی هوای ناشی از فعالیت‌های صنعتی موجود. اتلاف و آلودگی منابع آبی (زیر زمینی و جز آن). زلزله احتمالی.
ساختار جمعیت / سیستم‌های فعالیت	فرا-شهری	<ul style="list-style-type: none"> مهاجرت (به ویژه گروه‌های درآمدی پایین‌تر) به محیط پیرا شهری. کاهش نرخ اشتغال جمعیت با سطوح آموزشی بالا. کاهش نرخ اشتغال و فرصت‌های شغلی زنان. افزایش سهم جمعیت شاغل در فعالیت‌های خدماتی. شکل‌گیری سرخوردگاه شهر- روستا با ساختار فضایی نابرابر در محیط پیراشهری تهران.
	شهری	<ul style="list-style-type: none"> تراکم جمعیتی و مسکونی بالا در برخی نواحی (بیشتر در نواحی ویژه سکونت گروه‌های درآمدی پایین‌تر). پخش نامتعادل جمعیت مهاجر، جمعیت در گروه‌های اجتماعی و پیشینه‌های آموزشی گوناگون در نواحی مختلف شهر. سکونت گروه‌های درآمدی پایین در نواحی فرسوده درون شهری درونی و در محیط پیرا-شهری. شدت حرکت بالا در برخی نواحی. شبکه حرکت ناقص و ناکارآمد در برخی نواحی.
ساختار فضایی: مسکونی	شهری و نواحی خرد-شهری**	<ul style="list-style-type: none"> چیرگی فعالیت‌های غیرمسکونی در برخی نواحی. دسترسی ناکافی برخی نواحی مسکونی به خدمات رفاهی. کاهش ذخیره مسکونی مناسب تقاضای گروه‌های درآمدی پایین‌تر جامعه. کاهش ذخیره مسکن اجاره‌ای مناسب تقاضای گروه‌های درآمدی پایین‌تر. تخریب فضاهای مسکونی غیرفرسوده و باز- توسعه فضاهای مسکونی و مسکونی-تجاری ویژه گروه‌های درآمدی بالا. افزایش قیمت زمین و فضای ساخته شده در سراسر شهر.
ساختار فضایی: غیرمسکونی	فرا-شهری و شهری	<ul style="list-style-type: none"> کاهش ذخیره زمین دارای فعالیت کشاورزی. کمبود خدمات در محیط پیرا-شهری و وابستگی آن محیط به خدمات موجود شهری. گسترش فعالیت‌های ناسازگار با فعالیت مسکونی در نواحی مسکونی.
سیستم تصمیم‌گیری	فرا-شهری	<ul style="list-style-type: none"> نبود ساختار تصمیم‌گیری یکپارچه و هماهنگ. نبود سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی در سطوح مختلف جغرافیایی. تعدد عناصر تصمیم‌گیرنده و ناهماهنگی اهداف و اعمال آن عناصر. وجود سازوکارهای اجرایی غیرتوانمند و ناکارآمد. عدم تطابق شیوه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت با شرایط محلی.

** peri-urban environment (PUE) * نواحی خرد-شهری در این جا مترادف مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. ماخذ: نویسنده (برای استفاده در این مقاله)

سهم* نواحی با افراد ساکن در گروه‌های درآمدی:			تصویر ۷- مسیر دوم تعیین مشکلات - نمونه شهر تهران.	
بالا	متوسط	پائین	عرصه موضوعی	عرصه مشکل
-	۶/۰	۳۵/۰	ساختار اجتماعی-اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> بیکاری جوانان. درآمد پائین افراد ساکن. تجمع افراد نا باب در فضاهای عمومی.
۶۵/۰	۵۰/۰	۳۵/۰	تسهیلات و خدمات شهری	<ul style="list-style-type: none"> خدمات عمومی ناکافی. تسهیلات تفریحی ناکافی. خدمات حمل و نقل ناکافی و هزینه بر. بازارهای خرید ارزاق ناکافی. آلودگی ناشی از پسماندهای جامد.
۶۴/۰	۲۰/۰	۴۵/۰	ازدحام، آسایش و ایمنی	<ul style="list-style-type: none"> تراکم مسکونی زیاد/ سر و صدای زیاد. حرکت عبوری درمحلات مسکونی. عدم آسایش ناشی از تخریب و نوسازی. ازدحام حرکت.
۶۸/۰	۱۰/۰	-	مدیریت شهری	<ul style="list-style-type: none"> نبود ساختار مدیریت در سطوح خرد شهری.
**	۲/۰	۵/۰		

** تقریبی * گنجانده نشدن پرسش در پرسشنامه. ماخذ: نویسنده (برای استفاده در این مقاله)

مبتنی بر مشکل-یابی" و با به کارگیری چنین شیوه‌های ردیابی مشکلات برنامه‌ریزی، می‌توان به فعالیت مشکل-گشایی یا عمل تجویز در شهر تهران پرداخت (تصویر ۶).

مسیر دوم "مشکل-یابی" بر پایه برداشت مستقیم اطلاعات از جمعیت ساکن در شهر تهران، مشکلات شهری به دست آمده را در چارچوبی مشابه مسیر نخست قرار داده تا امکان قیاس دو دسته مشکلات و تولید یک بیانیه مشکلات برنامه‌ریزی برای این شهر فراهم گردد (تصویر ۷).

ب- مسیر دوم- تعیین و تحلیل مستقیم مشکلات با استفاده از پرسشنامه^{۵۶} (تصویر ۷).

اختیار شیوه‌های جایگزین مشکل-یابی در این مقاله در پاسخ به نارسایی‌های شیوه‌های رایج در تعیین مشکلات، تدوین اهداف و تولید برنامه در سطوح راهبردی و عملیاتی در شهر تهران در دوره مورد بررسی بوده است: روش‌های متداول، که با رهیافت‌های ساده-جامع برنامه‌ریزی تطابق دارد، به تعریف مشکلات، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها نپرداخته و در نتیجه، "مشکل-یاب"؛ "مشکل-سو" و "مشکل-گشا" نبوده‌اند. این مقاله بر پایه این فرض قرار دارد که

نتیجه

بسیاری شهرها - و شهر تهران نیز - دارای مشکلاتی اند که با توجه به اصول نظری بیان شده در این مقاله، با وجودی که از یک گونه نیستند، همگی مشکلات عمومی به شمار می‌روند. روش‌های نامشخص و ناکامل "مشکل-یابی" در برنامه‌های شهری تهران که از میانه دهه ۱۳۴۵ شمسی برای تهران تهیه شده اند همواره با تناقضها، نبود اهداف مشترک در سطوح مختلف و بین عناصر گوناگون تصمیم‌گیری و نیز تناقض و کشمکش گاه به گاه بین گروه‌های درگیر و ذینفع همراه بوده است. در چنین وضعیتی این برنامه‌ها مسیر "مشکل-گشایی" در شهرهایی چون تهران را به سوی زمینه‌های بدون مشکل و یا کم مشکل هدایت کرده‌اند. بنابراین به طور تاریخی مشکلات نیافتاده و ناگشوده باقی مانده و در نتیجه افراد ساکن در این شهر از منافع یک سازوکار هدایت و مهار شهری "مشکل-گشا" بی بهره مانده‌اند. این مقاله باور دارد که در صورت جایگزینی ناآگاهی از زمینه‌های نظری و فنی "مشکل"، "مشکل-یابی" و "مشکل-گشایی" با آگاهی عناصر گوناگون تصمیم‌گیرنده - نه فقط از اصول نظری و فنی بلکه از ویژگی‌های مشکلات شهرهایی چون تهران - می‌توان در یک مسیر آگاه و کارآمد "مشکل-یابی" و "مشکل-گشایی" حرکت نمود. درک این نکته مهم که این گونه شهرها در طی زمان دارای یک سیستم پیچیده مشکل دار شده‌اند و برای چنین سیستمی شیوه‌های ساده و سنتی "مشکل-یابی" و "مشکل-گشایی" کفایت نمی‌کنند و بنابراین نیاز به تدبیر یک سیستم پیچیده و خلاق "مشکل-یابی-مشکل-گشایی" است که در پاسخگویی به وضعیت پیوسته دگرگون شونده، عدم قطعیت‌ها و هرچه پیچیده تر شدن مشکلات، از یک مجموعه تفکر سیستمی گردندگی و برنامه‌ریزی گام به گام و محلی شده استفاده کند، بسیار اهمیت دارد. بنابراین مشکل-یابی می‌تواند با این هدف انجام گیرد که بتوان در انتظار کاهش و یا گشودن گام به گام مشکلات شهر تهران (و یا هر شهری با وضعیت مشابه)، بود و انتظار داشت که راه‌های گشودن هر مشکل مطابق با ماهیت آن مشکل انتخاب شود.

در این مقاله به تعریف مشکل، شیوه‌های گزینه "مشکل-یابی" و ضرورت به‌کارگیری روش‌ها و رهیافت‌هایی متفاوت با رهیافت‌های جامع برنامه‌ریزی و در راستای دستورکار "مشکل-یابی-مشکل-گشایی" در شهرها - با تاکید ویژه بر شهر تهران - اشاره شد. شناخت و تحلیل مشکلات در یک شهر می‌تواند کاربردی چندگانه داشته باشد که شاید مهم‌ترین آن آگاهی از ماهیت مشکلات (یعنی تفاوت گذاشتن بین مشکلات ساختاریافته، نیمه-ساختاریافته و بد-ساختاریافته از یک سو و از سوی دیگر مشکلات باز، پیچیده، شریر، چالش بزرگ و عمومی) است که بر انتخاب شیوه مشکل-گشایی اثر گذار است. چنین شناختی امکان آن که مشکلات مهم و کلیدی نادیده گرفته شده و یا کم اهمیت به نظر آیند را از بین می‌برد. مهم آن است که هدایت کوشش‌های "مشکل-یاب" در گشودن مشکلات سرسخت، پایدار، ریشه‌ای و ناگشوده از یک سو در راستای نگهداشت منفعت عمومی باشد و از سوی دیگر مبتنی کردن راهبردها، سیاست‌ها و عملیات اجرایی - و به طور کلی تمام تصمیم‌هایی که به صورتی بر تغییر و توسعه شهری اثر می‌گذارند - برپایه کوشش‌هایی راستین برای کاهش و یا گشودن پابرجاترین مشکلات شهر قرار گیرند. چون تشخیص مشکلات یک شهر با هدف تولید راه‌های گشودن آن مشکلات انجام می‌گیرد، حال اگر "تجویز برنامه‌ریزی" و "اجرای برنامه" (یعنی اجرای آن چه تجویز شده است) بدون ارتباط با مشکلات شهری و تحلیل آن‌ها انجام گیرد، همواره امکان آن که به جای پرداختن به علت‌ها با معلول‌ها برخورد شود و یا مشکلات نادیده و ناگشوده بمانند، وجود دارد. در این صورت شهرها دچار دور باطلی خواهند شد که در آن هر فعالیت اجرایی (یا هر تصمیم به اجرا در آمده) منجر به بروز مشکلات جدید و یا تشدید مشکلات موجود خواهد شد. ارزیابی نمودن پیوسته تصمیم‌ها و عملیات اجرایی و پایدار نبودن تصمیم‌ها و روشمند نبودن شیوه‌های تعیین و تحلیل مشکلات و تولید نمودن راه‌های پایدار، به پایداری مشکلات منجر می‌شود که در ضمن در تضاد با تمام اصول پایداری و توسعه پایدار نیز است، البته آن هنگام که دستیابی به پایداری در دستورکار تصمیم‌گیرندگان شهری قرار داشته باشد.

پی نوشتها:

- ۱ .problems, sub-problem, urban problems, urban planning problems
- ۲ .problem- finding / problem definition / problem identification
- ۳ .problem-solving
- ۴ spatial problems - به معنای مشکلاتی با ابعاد چندگانه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سیاسی، سازمانی و طبیعی.
- ۵ .simple-comprehensive approaches of planning
- ۶ .rational-comprehensive approaches of planning
- ۷ .incremental / incrementalist approaches of planning
- ۸ .problem- finding- problem- solving process
- ۹ .strategic thinking
- ۱۰ .uncertainty
- ۱۱ circularity, a circular process of planning - فرایند گردنده یا چرخه ای برنامه ریزی.
- ۱۲ .prescription
- ۱۳ بر مبنای مطالعات و پژوهشی که توسط نویسنده در طول دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۶ انجام گرفته است.
- ۱۴ .strategies and tactics (or operational policies)
- ۱۵ .ideological paradigms
- ۱۶ .mixed-scanning approach
- ۱۷ .adjunctive approach
- ۱۸ .disjointed-incrementalism
- ۱۹ .complex problems
- ۲۰ .mutual learning process
- ۲۱ .stakeholders
- ۲۲ .decision opportunity
- ۲۳ این تعریف را در بسیاری از متون مربوط به تصمیم گیری و برنامه ریزی و فرهنگهای اصطلاحات تخصصی می توان یافت.
- ۲۴ .structured problems
- ۲۵ .semi-structured problems
- ۲۶ .ill-structured problems
- ۲۷ .open problem
- ۲۸ .wicked problem
- ۲۹ .creative solutions
- ۳۰ .grand challenge problem
- ۳۱ .public problem
- ۳۲ .checklists
- ۳۳ .decision support system (DSS)
- ۳۴ .data base management
- ۳۵ .choice opportunity
- ۳۶ .legitimation / legitimisation process
- ۳۷ .reactive
- ۳۸ .proactive
- ۳۹ مشکل گشایی در اصل از روانشناسی آغاز و سپس توسط پژوهشگران در هوش مصنوعی، اقتصاد و سایر زمینه‌های فکری مطرح شد.
- ۴۰ .data banks
- ۴۱ .dynamic problem-solving
- ۴۲ .time-dependent problem-solving
- ۴۳ .complex problem-solving
- ۴۴ .creative problem-solving
- ۴۵ .decision options
- ۴۶ bipolarity یا دو-قطبیت.
- ۴۷ توفان ذهنی (brainstorming) یک فن خلاقیت (creative technique) گروهی است که به ویژه در مشکل-گشایی خلاق در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به کار می رود.
- ۴۸ .rational decision-making models
- ۴۹ .problem-solving models
- ۵۰ .non-incremental approaches of planning
- ۵۱ .plan-led / plan-orientated
- ۵۲ .problem-orientated

۵۳ goal-orientated

۵۴ public benefit

۵۵ public participation

۵۶ پرسشنامه‌هایی که در فاصله زمانی ۸۶-۱۳۸۱ از تعداد اندکی از افراد ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با هدف ردیابی مشکلات افراد ساکن در شهر تهران، تحت نظارت نویسنده تکمیل شده است (که در مقایسه با کل جمعیت شهر و جمعیت هر یک از مناطق شهری تهران اندازه بسیار کم نمونه برداری است، ولی با توجه به منابع اندک در اختیار پژوهش پشوانه این مقاله، امکان افزایش اندازه نمونه برداری وجود نداشت).

فهرست منابع:

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۷۵ - نتایج تفصیلی - شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)، مرکز آمار ایران، تهران.
- مؤسسه بین‌المللی دوکسپادیس (۱۳۵۰)، طرح اجرایی تهران، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- مهندسین مشاور آتک (۱۳۶۴)، طرح ساماندهی تهران، (۱۲ جلد)، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مهندسین مشاور گروئن / فرمانفرمائیان (۱۳۴۷)، طرح جامع شهر تهران، (۵ جلد)، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- Alexander, E.R. (1993), *Approaches to planning*, Gordon & Breach, Philadelphia.
- Angotti, T. (1993), *Metropolis 2000: Planning, Poverty and Politics*, Routledge, London & New York.
- Bracken, I. (1981), *Urban Planning Methods- Research and Policy Analysis*, Methuen, London & New York.
- Briggs, de Souza, X. (2002), *Community building: The new (and old) politics of urban problem-solving*, School of Government, Harvard Univ., Faculty Research Working Paper Series, Harvard.
- Davidson, J. E. and Sternberg, R. J. (2003), *The psychology of problem solving*, Cambridge, Cambridge Univ. press.
- Devas, N. and Rakodi, C. (1993), *Managing fast growing cities*, John Wiley, New York.
- Doxiadis (Architecture and planning consultants) (1971), *Operational plan for Tehran*, PBOI, Tehran.
- Drakakis-Smith, D. (1997), *Third World Cities*, Routledge, London & New York.
- Dyckman, J. et al. (1984), Planning in an unprepared environment: the example of Bahrain, *TPR*, 55:214-227.
- DUDP Learning Centre (2003), *No problem, Cooperation of Switzerland and Vietnam*, www.sdc.org.vn/en/Home/ressources/resource_en_25099.pdf, accessed in 2007/6/5.
- Edmund N. W. (2006), *The Complete Method of Creative Problem Solving*, Scientific Method Publishing Co., Florida, www.problemsolving.net, accessed in 2007/5/10.
- Frensch, P. and Funke, J. (1995), *Complex Problem Solving: The European Perspective*, Lawrence Erlbaum, Hillsdale, NJ.
- Higgins, M. & Reeves, D. (2006), Creative thinking in planning, *TPR*, 77 (2): 221-244.
- JAICA (Japan international Cooperation), CEST (Centre for Earthquake and environmental Studies of Tehran) and TM (Tehran Municipality) (2000), *Study on seismic micro-zoning of the greater Tehran area*, TM, Tehran.
- Keddie, N.R. (2003), *Modern Iran - roots and results of revolution*, Yale Univ. Press, New Haven & London.
- Lombardi, P., Spaziante, P. and Murano, C. (undated), *Problem Structuring and Participation in Sustainable Urban Planning*, www.ibl.uni-hohenheim.de/MCDMnews/newsletter12_2006.pdf, accessed in 2006/9/16.
- Mee Kam NG (1993), Strategic planning in Hong Kong: lessons from territorial development strategy and PADS (port and airport development strategy), *TPR*, 64 (3): 287-311.
- Onal, S. & Dorath, N. (1999), The urban problems of Gazimagusa (Famagusta) and proposals for the future, *Cities*, 16(5): 333-51.
- Osborn, A.F. (1963), *Applied imagination: Principles and procedures of creative problem solving (Third Revised Edition)*, Charles Scribner's Sons, New York.
- PLOGER, J. (2006), Urban Planning and Urban Life: Problems and Challenges, *Planning, Practice & Research*, 21 (2): 201 - 222.
- Quesada, J., Kintsch, W. and Gomez, E. (2005), Complex problem solving: a field in search of a definition, *Theoretical Issues in Ergonomics Science*, 6 (1), January-February, pp.5-33, <http://www.andrew.cmu.edu/user/jquesada/pdf/TIESQuesadaKintschGomez2005.pdf>, accessed in 2007/5/15.
- Roweis, S.T. (1981), *Urban planning in early and late capitalist societies: outline of a theoretical perspective*, in M. Dear and A. J. Scott (eds.), *Urbanisation and Urban Development in Capitalist Society*, Methuen, London.
- Schwanger, M. and Koerner, M. (2004), City planning- Dissolving urban problems- insights from an application of management cybernetics, *Kybernetes*, 33 (3/4): 557-576.